



## مقایسه داستان آدم در عهد قدیم و قرآن

عباس اشرفی

این مقاله در یازده قسمت به بیان موضع عهد قدیم و قرآن و مقایسه این دو در نهایت به مقایسه جدولی داستان آدم ﷺ می پردازد. در این نوشتار مباحثی هم چون آفرینش آدم، خلافت آدم، گفت و گوی میان ملائکه و خداوند، سجده ملائکه بر آدم، تعلیم اسما، آفرینش زوجه آدم، فریب خوردن آدم و زوجه او، هبوط آدم، فرزندان آدم و مرگ آدم مورد مقایسه و نظر قرار خواهد گرفت.

آفرینش آدم

۱. در عهد قدیم

در سفر پیدایش، از آفرینش انسان این چنین سخن به میان آمده است:

خداوند انسان را بعد از آفرینش آسمان و زمین صورت بخشید. هنگامی که خداوند آسمان و زمین را ساخت هیچ بوته و گیاهی بر زمین نرویده بود. زیرا خداوند هنوز باران نیافریده بود و همچنین آدمی نبود که روی زمین کشت و زرع نماید.<sup>۲</sup> آن گاه خداوند آدم را از خاک زمین سرشت. سپس در بینی آدم روح حیات دمیده، به



او جان بخشید و آدم، موجود زنده ای شد. ۳ سپس خداوند آدم را در باغی در سرزمین عدن<sup>۴</sup> که برای انسان آفریده بود، مسکن داد. ۵ نکته دیگر این که خداوند انسان را شبیه خود آفرید و خداوند انسان را زن و مرد آفرید. ۶ و از همان آغاز خلقت، ایشان را آدم نامید. ۷ در ادامه داستان با تأسف و حزن خداوند، در مورد آفرینش انسان، مواجه می شویم و این در حالی است که حدوداً ۱۵۰۰ سال بعد از آفرینش است. هنگامی که خداوند دید، مردم غرق در گناهند و دائماً به سوی زشتی و پلیدی ها می روند، از آفرینش انسان متأسف و محزون شد. پس خدا فرمود:

من انسانی را که آفریدم از روی زمین معومی کنم، حتی حیوانات و خزندگان و پرندگان را نیز از بین می برم زیرا از آفریدن آنها متأسف شدم. ۸

## ۲. در قرآن

انسان در قرآن دارای دو خلقت است. نخست خلقت اولیه که همان خلقت آدم علیه السلام و به تبع آن تمام انسان ها می باشند و دوم خلقت ثانویه، به واسطه نطفه که شامل فرزندان آدم و بعد از ایشان می باشد.

قرآن خلقت اولیه انسان را از خاک برمی شمارد. (آل عمران، ۳/۵۹) و در آیات دیگر، گل یا طین، (سجده، ۷/۳۲) گل چسبنده<sup>۹</sup> (صافات، ۱۱/۳۷) و گل خشکیده، گل سیاه متعفن (حجر، ۱۵/۲۶) و گل خشکیده سفال مانند (الرحمن، ۱۴/۵۵) را به آن می افزاید که به نوعی بیان کننده حالات مختلف خلقت انسان از خاک می باشد.

خداوند ماده اولیه خلقت را خاک معرفی می کند و سپس انسان را صورت بندی می کند یعنی شکل خاص انسان را به این ماده اولیه خلقت می بخشد. (اعراف، ۱۱/۷) سپس خداوند روح خود را بر انسان می دمد و انسان زنده می شود. (حجر، ۲۵)

خداوند انسان را در بهشت آفرید و در بهشت سکنی داد چنان که در سوره طه می بینی:

«سپس گفتیم: ای آدم، این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست، مبادا شمارا از بهشت خارج کند، که به زحمت و رنج خواهی افتاد. برای تو، این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد. در آن تشنه نمی شوی، و حرارت آفتاب آزارت نمی دهد. (طه، ۱۱۷/۲۰-۱۱۹)

ولی از آیه ۳۰ سوره بقره چنین برمی آید که خلقت آدم برای زمین بوده است، چنان که می فرماید: هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی [نماینده ای] قرار خواهم داد...»

و در آیه ای دیگر آمده است که: او خدایی است که همه چیز را که در زمین وجود



دارد برای شما آفرید . (بقره، ۲/۲۹)

لازم به ذکر است که قرآن خلقت انسان را بین احسن تقویم و اسفل سافلین می داند .  
(تین، ۹۵/۴-۵)

### ۳. مقایسه

از مقایسه آفرینش آدم در عهد قدیم و قرآن نتایج زیر به دست می آید :  
الف) آدم در عهد قدیم و در قرآن از خاک آفریده شده است .

ب) در عهد قدیم آمده که خداوند انسان را به صورت و شبیه خود آفرید ، اما در قرآن چنین مطلبی را نمی بینیم .<sup>۱۰</sup> بلکه آیه لیس کمثله شیء (شوری، ۱۱/۴۲) بیان کننده آن است که هیچ مخلوقی به خداوند شبیه نیست . بنابر این می توان گفت که آیه با تشبیه مذکور متضاد است .

ج) در قرآن حالات مختلف خلقت انسان مانند از خاک ، از گل ، از گل چسبنده ، از گل خشکیده ذکر می شود ، درحالی که در عهد قدیم چنین نیست و فقط به ذکر خاک می پردازد .

د) در قرآن از خلقت ثانویه (ازنطفه) و تدرج آن ، بسیار سخن به میان آمده ولی در عهد قدیم سخنی از آن نیست .

ه) در قرآن پس از خلقت ، سخن از صورت بندی انسان است ولی در عهد قدیم سخنی از آن نیست .

و) در قرآن ، خداوند پس از آفرینش انسان ، ملائکه را امر به سجده آدم می نماید ولی در عهد قدیم سخنی از آن نمی باشد .

ز) قرآن و عهد قدیم ، دراصل دمیدن روح خداوند بر آدم مشترکند لکن در عهد قدیم دمیدن روح بر بینی آدم است ولی در قرآن اشاره ای نشده است .

ح) خداوند ، انسان را در سرزمین عدن مسکن می دهد و از عهد قدیم بر می آید که عدن باغی است که برای انسان ایجاد کرده بود و آن در زمین است ولی قرآن ، بهشت را مسکن اولیه انسان معرفی می کند و آنها را هشدار می دهد که مبدا به واسطه شیطان از آن خارج شوند .

ط) خلقت انسان در قرآن و در عهد قدیم ، برای زندگی در زمین بوده است .

ی) در عهد قدیم ، پس از این که خداوند ، گناه آدمیان را مشاهده کرد از خلقت آدم محزون و متأسف شد . ولی در قرآن چنین مطلبی را نمی یابیم .<sup>۱۱</sup> در عهد قدیم خداوند ،

پس از مشاهده گناه آدمیان ، تصمیم به محو آنان ، حیوانات و پرندگان می گیرد ولی این کار صورت نمی پذیرد اما در قرآن اصلاً چنین مطلبی وارد نشده است .

ک) در قرآن خلقت انسان برای عبادت است ولی در عهد قدیم سخنی از آن نیست.

## خلافت آدم ﷺ

### ۱. در عهد قدیم

در سفر پیدایش در خصوص خلافت انسان آمده است:

سرانجام خدا فرمود؛ انسان را شبیه خود بسازیم تا بر حیوانات زمین و ماهیان دریا و پرندگان آسمان فرمانروایی کند. ۱۲

و یا ایشان را برکت داده و فرمود: «بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید، بر آن تسلط یابید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید، تمام گیاهان دانه دار و میوه‌های درختان را برای خوراک به شما دادم.

این بیان کننده آن است که انسان فرمانروای زمین است، و آنچه در زمین است برای انسان اوست.

### ۲. در قرآن

در صدر داستان آدم ﷺ در سوره بقره چنین آمده:

او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چیزی آگاه است. (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی<sup>۱۳</sup> قرار خواهم داد. (بقره، ۲۹/۲-۳۰)

و نیز در صدر داستان آدم در سوره اعراف آمده:

ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم، اما کم‌تر شکرگزاری می‌کنید. (اعراف، ۱۰/۷) این بیانگر «نیابت انسان از خدا در زمین» و «فرمانروایی و تسلط بر زمین» می‌باشد.

### ۳. مقایسه

الف) در قرآن سخن از خلافت انسان از خداوند در اجرای احکام و دستوراتش در زمین می‌باشد، در حالی که در عهد قدیم سخن از خلافة اللہی انسان نمی‌باشد.

ب) در قرآن و عهد قدیم، سخن از فرمانروایی و حکومت انسان در زمین، به معنی تسلط به موجودات زمین می‌باشد.



## گفت وگویی میان ملائکه و خداوند

۱. در عهد قدیم

در این مورد در عهد قدیم سخن به میان نیامده است.

۲. در قرآن

خداوند قبل از خلقت آدم به ملائکه می گوید که در زمین خلیفه ای قرار می دهد ولی ملائکه سخن به اعتراض بلند می کنند که :

آیا کسی را می آفرینی که در زمین فساد می کند و خونریزی می نماید در حالی که ما تسبیح و حمد تو را بجا می آوریم؛ خداوند در این حال می فرماید: «من چیزهایی می دانم که شما نمی دانید و سپس به ایشان امر می نماید که آدم را سجده نمایند و همگی سجده می نمایند جز ابلیس که خودداری می نماید چرا که خود را برتر می بیند. (بقره/۳۰-۳۴) خداوند به ابلیس می گوید :

چه چیز مانع می شود که تو بر مخلوقی که آفریدم سجده نکنی، آیا تکبر کردی یا از برترین ها بودی؟ شیطان در جواب گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدی و او را از گل و خداوند او را از آسمان (بهشت) خارج می نماید و تا قیامت لعنت را بر او می نهد، پس شیطان می گوید: مرا تا روز بعث انسان ها، مهلت بده و خداوند به او تا روز وقت معین مهلت می دهد. پس شیطان به عزت خداوند سوگند یاد می کند که همه انسان ها را - به جز بندگان خالص خدا را - گمراه خواهد کرد. و خداوند نیز سوگند یاد می کند که جهنم را از پیروانش، پرخواهد ساخت. (ص، ۷۱/۳۸-۸۵) آنگاه خداوند انسان را از دشمنی آشکار شیطان آگاه می سازد. (اعراف، ۲۲/۷)

۳. مقایسه

این مورد مختص قرآن است و از ویژگی های داستان با عنوان حواری می باشد، حواری بین ملائکه و خداوند، فقط در قرآن آمده است.

سجده ملائکه به آدم

۱. در عهد قدیم

از این موضوع در عهد قدیم سخنی به میان نیامده است.

۲. در قرآن

خداوند پس از خلقت انسان و دمیدن روح بر او، دستور به سجده فرشتگان بر این مخلوق می دهد که همه فرشتگان جز ابلیس بر آدم سجده می نمایند، که شرح آن گذشت.



۳. مقایسه

فقط درقرآن به این مطلب اشاره شده است.

تعلیم اسماء

۱. درعهد قدیم

درسفر پیدایش، نام گذاری حیوانات و پرندگان از طرف خداوند به آدم واگذار شد چنان که آمده است:

آن گاه خداوند همه حیوانات و پرندگانی را که از خاک سرشته بود، نزد آدم آورد تا ببیند آدم چه نام هایی بر آنها خواهد گذاشت. بدین ترتیب تمام حیوانات و پرندگان نام گذاری شدند. پس آدم تمام حیوانات و پرندگان را نام گذاری کرد. ۱۴

۲. درقرآن

در سوره بقره پس از ذکر ماجرای اعتراض ملائکه به خداوند، درخصوص آفریدن انسانی که فساد انگیزی و خونریزی می نماید، می فرماید:

سپس خداوند اسماء ۱۵ را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گوئید، اسمی اینها را به من خیر دهید. فرمود: ای آدم! آنان را از اسمی (واسرار) این موجودات آگاه کن. هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: آیا به شما نگفتم که من غیب آسمان ها و زمین را می دانم؟! و نیز می دانم آنچه را شما آشکار می کنید و آنچه را پنهان می داشتید. (بقره، ۳۱/۲-۳۳) آن گاه به داستان سجده ملائکه بر آدم می پردازد.

۳. مقایسه

الف) عهد قدیم و قرآن دراصل این که نام گذاری صورت پذیرفته، اشتراک دارند.  
ب) درعهد قدیم نام گذاری حیوانات و پرندگان از طرف خداوند به آدم واگذار گردید ولی در قرآن به طور مطلق «اسماء» آمده است یعنی ذکر حیوانات و پرندگان نیست و شاید دریک معنای عام، اطلاق قرآن بیشتر است و شامل همه چیز اعم از حیوانات و پرندگان می شود.  
ج) در عهد قدیم خداوند، حیوانات و پرندگان را حاضر می کند تا ببیند آدم بر آنها چه نام می نهد، ولی درقرآن نام گذاری را خداوند به آدم آموزش می دهد. یعنی در عهد قدیم، نام گذار آدم است و درقرآن، خداوند است.



د) درقرآن ، علم به اسما باعث خلیفة اللہی انسان است ولی درعهد قدیم اشاره ای به آن نیست .

ه) درقرآن مقام علم به اسما ، مقام دانش و بینایی انسان است ولی در عهد قدیم سخنی از آن نیست .

و) از قرآن استفاده می شود که آدم به خاطر علم به اسمای الهی از فرشتگان برتری دارد ولی درعهد قدیم سخن از فرشتگان و برتری آدم برایشان در این مقوله نمی باشد .

ز) سیاق نشان می دهد که تعظیم ملائکه برآدم به خاطر تعلیم اسما بوده ولی درعهد قدیم نشانی از این موضوع نیست .

## آفرینش زوجه آدم ۱ . درعهد قدیم

سفر پیدایش ، آفرینش همسر آدم را از یکی از دنده هایش بر می شمارد :

آن گاه خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از دنده هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد و از آن دنده زنی سرشت و او را پیش آدم آورد . آدم گفت : این است استخوانی از استخوان هایم و گوشتی از گوشتم . نام او «نسا» باشد ، چون از انسان گرفته شد . به این سبب است که مرد از پدر و مادر خود جدا می شود و به همسر خود می پیوندد ، و از آن پس ، آن دو یکی می شوند . آدم و همسرش ، هر چند برهنه بودند ، ولی احساس خجالت نمی کردند . ۱۶ و علت آفرینش زوجه او ، تنهایی بیان شده است . خداوند فرمود : شایسته نیست آدم تنها بماند . باید برای او یار مناسبی بوجود آورم . ۱۷ و شاید این تصور صحیح باشد که چون درمیان حیوانات و پرندگان یار مناسبی یافت نشد ، تصمیم بر آن شد که یار او از او باشد چنان که در سفر پیدایش می بینیم : پس آدم تمام حیوانات و پرندگان را نام گذاری کرد ، اما برای او یار مناسبی یافت نشد . ۱۸ آدم ، زن خود را حوا (یعنی زندگی) نامید چون او می بایست مادر همه زندگان شود . ۱۹

## ۲ . درقرآن

درسوره نساء آمده :

ای مردم ! از پروردگارتان بپرهیزید . همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید ؛ و همسر او را نیز از او خلق کرد و از آن دو مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت . (نساء ، ۱/۴)

و در سوره اعراف می خوانیم :

او خدایی است که شما را از یک فرد آفرید و همسرش را از او آفرید تا در کنار او آرامش یابد ، سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت که با وجود آن ، به کارهای خود ادامه می داد؛ و چون سنگین شد ، هر دو از خداوند خود خواستند : اگر فرزند صالحی به ما دهی ، از شاکران خواهیم بود . (اعراف، ۷/ ۱۸۹)

آیات فوق نشان می دهد که همسر آدم از او آفریده شده و شاید مراد، از جنس او باشد یعنی انسانی مانند اوست که آفریده شده تا همدم او باشد چرا که در آیات دیگر این خلقت را به نوع مردان و آفریده شدن همسرانشان از ایشان ، نیز نسبت می دهد چنان که در سوره روم می خوانیم :

وازنشانه های خداوند آن است که از خودتان همسرانتان را آفرید تا در کنارشان آرامش

یابید... (روم، ۳۰/ ۲۱)

و یا در سوره نحل آمده :

خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان

و نوه هایی به وجود آورد . (نحل، ۱۶/ ۷۲)

آیات فوق دو علت را برای آفرینش همسرانشان از جنس خودشان یادآور می شود اول آرامش

مرد در کنار زن و دوم انتشار مردان و زنان از جمع شدن این دو که موجب بقای نسل می گردد .

۳. مقایسه

الف) قرآن و عهد قدیم در بوجود آمدن زوجه آدم از او مشترکند ولی در عهد قدیم

ایجاد زوجه از یکی از دنده های آدم است ولی در قرآن به این مورد اشاره نشده است . ۲۰

ب) از عهد قدیم استنباط می شود که چون در میان حیوانات و پرندگان که خداوند

جهت نام گذاری به نزد آدم آورد یار مناسبی برای او یافت نشد ؛ خداوند فرمود شایسته

نیست آدم تنها بماند پس برای او یار مناسبی به وجود آورم . ولی در قرآن چنین نیست .

ج) در عهد قدیم ، علت خلقت زوجه آدم را، تنهایی آدم و نداشتن یار مناسب بیان

می کند در حالی که در قرآن علت آن را، آرامش آدم در کنار او و ایجاد نسل بیان می دارد .

د) در قرآن ، سخنی از اسم زوجه آدم به میان نیامده است . ۲۱ ولی در عهد قدیم نام

همسر آدم حوا (زندگی) می باشد که آدم ، این نام را بر او نهاد .

ه) قرآن و عهد قدیم در اینکه آدم و زوجه او ، رأس همه نسل ها می باشند مشترکند .





## فریب خوردن آدم و زوجه او

۱. در عهد قدیم

مار و زن در عهد قدیم نقش اصلی سرپیچی از فرمان خداوند را متحمل هستند و به تبع زن، آدم نیز داخل در این بازی می شود و داستان از باغ عدن و نهی خداوند آغاز می شود. خداوند، آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن نگهداری نماید و به او گفت: «از همه میوه های درختان باغ بخور، بجز میوه درخت شناخت نیک و بد، زیرا اگر از میوه آن بخوری، مطمئن باش، خواهی مرد.»<sup>۲۲</sup> سپس خداوند همسر آدم را آفرید و هر دو برهنه بودند، ولی خجالت نمی کشیدند که ناگاه زیرک ترین حیوانات یعنی مار<sup>۲۳</sup> به سراغ زن می رود و از او درباره خوردن از میوه درخت ممنوعه سؤال می کند و زن در جواب می گوید: «ما اجازه داریم از میوه همه درختان بخوریم بجز میوه درختی که در وسط باغ است. خدا امر فرموده است که از میوه آن درخت نخوریم و حتی آن را لمس نکنیم و گرنه می میریم»<sup>۲۴</sup> آنگاه مار به زن اطمینان می دهد که نه تنها نمی میرد بلکه با خوردن میوه آن درخت، می تواند مانند خداوند، نیک را از بد تشخیص دهد و دانایی به دست آورد پس درخت در نزد زن، زیبا می شود و از میوه آن درخت می چیند و می خورد و به شوهرش نیز داد و او هم خورد پس به ناگاه بر برهنگی خود آگاه شدند و با برگ های درخت انجیر برای خود پوششی ساختند.<sup>۲۵</sup> سپس مورد خطاب خداوند قرار می گیرند که چرا از آن درخت خوردند که آدم جواب داد: «این زن که یار من ساختی از آن میوه به من داد من هم خوردم» آن گاه خداوند از زن پرسید: «این چه کاری بود که کردی؟» زن گفت: «مار مرا فریب داد، آنگاه خداوند هر سه را مجازات می نماید.»<sup>۲۶</sup>

۲. در قرآن

پس از خلقت همسر آدم، خداوند به این دو می فرماید که در بهشت ساکن شوند و از میوه هر درختی که بخواهند میل نمایند. ولی یکی از درختان را اشاره می نماید که به آن درخت نزدیک نشوند.<sup>۲۷</sup> که نزدیکی به آن درخت موجب ظالم شدن آنان می گردد. (بقره، ۲/۳۴) و نیز به آنان هشدار داده بود که شیطان (که از جمع ملائکه بر آدم سجده نکرده بود) دشمن آنان می باشد و مواظب باشند که آنان را از بهشت خارج نکند که به رنج و زحمت خواهند افتاد. (طه، ۱۱۷/۲۰)

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم. (طه/۱۲۰) ولی در سوره اعراف آمده که: «شیطان

آن دو را وسوسه کرد ، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود آشکار سازد » و گفت : «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده ، مگر به خاطر اینکه (اگر از آن بخورید) فرشته خواهید شد ، یا جاودانه خواهید ماند .» و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیر خواهانم . پس به این ترتیب ، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد . و هنگامی که از آن درخت چشیدند ، اندامشان [عوراتشان] بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگ های (درختان) بهشتی بر خود ، تا آن را بپوشانند و پروردگارشان آنها را ندا داد که : «آیا شما را از آن نهی نکردم ، و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است ؟!» (اعراف/ ۲۰-۲۲) و بدین ترتیب «آدم ، پروردگارش را نافرمانی کرد پس گمراه شد» (طه/ ۱۲۱) آن گاه «آدم و همسرش از کرده خویش پشیمان شده ، گفتند : پروردگارا ! ما به خویشتن ستم کردیم ؛ و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود .» (اعراف/ ۲۳)

### ۳. مقایسه

الف) در عهد قدیم مار که از زیرک ترین حیوانات بود ، به فریب دادن آدم و حوا می پردازد ولی در قرآن ابلیس (شیطان) به فریب آدم و همسر او می پردازد .

ب) در قرآن ، خداوند از قبل به آدم و همسر او هشدار می دهد که مبادا شیطان آنها را از بهشت اخراج کند ولی به علت بی توجهی ، آدم و همسرش دچار وسوسه می شوند . ولی در عهد قدیم ، سخنی از هشدار خداوند در مورد مار یا وسوسه و فریب نمی باشد .

ج) در قرآن ، سابقه دشمنی ابلیس با آدم آمده است : شیطان بعد از سجده نکردن به آدم و مورد عتاب قرار گرفتن از سوی خداوند ، بنای دشمنی با آدم و بنی آدم را می نهد ولی در عهد قدیم سابقه ای دال بر دشمنی بین مار و آدم و همسر او وجود ندارد .

د) در عهد قدیم ، همسر آدم (حوا) دچار فریب می شود ولی در قرآن آدم دچار فریب می شود و نیز در سوره اعراف ، هر دو دچار فریب می شوند .

ه) در عهد قدیم نهی متوجه میوه درخت می باشد ولی در قرآن نهی ، متوجه نزدیکی به درخت است یعنی اصلاً نزدیک نشوند تا احتمال خوردن از میوه درخت هم نباشد .

و) عهد قدیم ، درخت را درخت شناخت نیک و بد و دانایی معرفی می کند ولی در قرآن از سخن شیطان به آدم و همسرش [اعراف/ ۲۱] چنین استنباط می شود که آن ، درخت «خلد و جاودانگی» بوده است .

ز) عهد قدیم ، نتیجه خوردن از میوه آن درخت را مرگ بیان می دارد ولی قرآن نتیجه آن را ستمکار شدن و خارج شدن از بهشت بیان می دارد .



ح) در عهد قدیم، پس از خوردن میوه، آن دو نمردند یعنی آن چه خداوند در مورد خوردن از میوه آن درخت گفته بود، تحقق نیافت ولی در قرآن گفته خداوند تحقق می یابد و آنان از بهشت اخراج می گردند.

ط) علت فریب دادن مار در عهد قدیم معلوم نمی باشد ولی در قرآن، علت فریب دادن شیطان، سابقه دشمنی قبلی بوده است و نیز می خواست که اندام های پنهانشان آشکار گردد.

ی) در قرآن، شیطان برای آدم و همسرش سوگند یاد می کند که خیر خواهشان است و این سبب شکستن نهی می شود ولی در عهد قدیم، خوش به نظر آمدن درخت موجب شکستن نهی است.

ک) قرآن و عهد قدیم در نتیجه حاصله از خوردن، که همان مشخص شدن عورات یا برهنگی باشد مشترکند.

ل) قرآن و عهد قدیم در این که پس از آگاهی از برهنگی، خود را با برگ درخت پوشاندند، متفقند ولی در عهد قدیم برگ درخت انجیر ذکر شده و در قرآن نوع درخت مشخص نشده است.

م) در قرآن و عهد قدیم، هر سه وجود (آدم، زوجه اش و مار یا شیطان) مجازات می شود ولی مجازات ها با هم فرق دارد.

توبه آدم ﷺ و برگزیدن آدم

۱. در عهد قدیم

در خصوص آدم و برگزیده شدن او در عهد قدیم، سخنی به میان نیامده است.

۲. در قرآن

آدم پس از نافرمانی به توبه<sup>۲۸</sup> روی آورد و خداوند نیز توبه او را پذیرفت. سپس آدم از پروردگارش کلماتی<sup>۲۹</sup> را دریافت کرد، و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه پذیر و مهربان است. «گفتم همگی از آن فرود آید! هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند نه ترسی بر آنها است و نه غمگین می شوند.» (بقره، ۳۷/۲-۳۸) و در سوره طه آمده: «سپس پروردگارش او را برگزید و توبه اش را پذیرفت و هدایتش نمود.» خداوند فرمود: هر دو از بهشت فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود؛ ولی هر گاه هدایت من به سراغ شما آید، «هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه

می شود و نه در رنج خواهد افتاد. «(طه، ۲۰/۱۲۲، ۱۲۳)

و در سوره آل عمران نیز سخن از برگزیدن آدم<sup>۳۰</sup> است: به حقیقت، خدا آدم و نوح و خانواده ابراهیم و خانواده عمران را بر جهانیان برگزید. (آل عمران، ۳/۳۳)

۳. مقایسه

در عهد قدیم سخنی از این مطلب به میان نیامده است.

### هبوط

۱. در عهد قدیم

آدم و زن و مار از فرمان خداوند سرپیچی کردند پس مستوجب عذاب می باشند و خداوند نیز برای هر یک به تناسب شدت و ضعف نافرمانی (گناه)<sup>۳۱</sup>، عذابی مشخص می نماید که به نظر وی هبوط همین سقوط از جایگاه قبلی بوده باشد، پس خداوند آدم را از باغ عدن بیرون راند تا برود و در زمینی که از خاک آن سرشته شده بود، کار کند. در سفر پیدایش، سقوط آدم و زوجه او و مار را این چنین توصیف می کند؛ پس خداوند به مار فرمود:

به سبب انجام این کار از تمام حیوانات وحشی و اهلی زمین ملعون تر خواهی بود، تا زنده ای روی شکمت خواهی خزید و خاک خواهی خورد، بین تو و زن و نیز بین نسل تو و نسل زن خصومت می گذارم. نسل زن سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد. آن گاه خداوند به زن فرمود: درد زایمان تو را زیاد می کنم و تو با درد، فرزندان خواهی زایید. مشتاق شوهرت خواهی بود و او بر تو تسلط خواهد داشت. سپس خداوند به آدم فرمود: چون گفته زنت را پذیرفتی و از میوه آن درخت خوردی که به تو گفته بودم از آن نخوری، زمین زیر لعنت قرار خواهد گرفت و تو تمام ایام عمرت با رنج و زحمت از آن کسب معاش خواهی کرد. از زمین، خار و خاشاک برایت خواهد روید و گیاهان صحرا را خواهی خورد. تا آخر عمر با عرق پیشانیت نان خواهی خورد و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شدی.

زیرا تو از خاک سرشته شدی و به خاک هم بر خواهی گشت. ۳۲

سرانجام خداوند لباس هایی از پوست حیوان تهیه و آدم و زوجه اش را پوشانیده و مبادا این که آدم که از درخت معرفت خورده و مانند خدا شده، از میوه درخت حیات نیز بخورد و حیات ابدی یابد، او را از باغ بیرون کرده و در سمت شرقی باغ فرشتگانی با شمشیرهای آتشین گماشت تا از راه درخت حیات محافظت کنند. ۳۳



## ۲. در قرآن

پس از نافرمانی انجام شده آدم و زوجه اش با وسوسه شیطان، خداوند هر سه را از مقامشان ساقط می گرداند و آدم و زوجه اش را از بهشت و رفاه بیرون راند و جایگاه شان را برای مدتی زمین قرار داد که نتیجه آن رنج و تلاش خواهد بود. چنان چه در سوره اعراف می بینیم: «پس شیطان هر دو را بلغزاند و از آنجا که بودند خارجشان ساخت و گفتیم که «فرود آید»<sup>۳۴</sup> و برخی از شما دشمن برخی دیگر خواهید بود. برای شما در زمین قرارگاه و وسیله بهره برداری - تا مدت معینی - خواهد بود.» و فرمود: «در آن [زمین] زنده می شوید و در آن می میرید و از آن خارج خواهید شد.» (اعراف، ۲۴/۷، ۲۵) و هدایت خداوند نیز به انسان خواهد رسید و هر کس از هدایت خداوند پیروی کند، از گمراهی و رنج در امان خواهد ماند و هر کس نیز از این هدایت روی گردان شود زندگی تنگ در دنیا و عذاب در آخرت را با خود همراه خواهد کرد.

## ۳. مقایسه

الف) هبوط در هر دو کتاب به معنی سقوط مقامی و مکانی گرفته شده است. در قرآن از بهشت و نعمت به زمین و محنت (سقوط مقامی) و نیز از آسمان به زمین ولی در عهد قدیم از باغ عدن پر نعمت به زمینی که از آن سرشته شده و باید با رنج و زحمت به نعمت برسد، و نیز از مقام اولی که نزد خدا داشتند، سقوط کردند.

ب) هبوط در عهد قدیم به آدم و حوا و مار تعلق گرفته و در قرآن به آدم و زوجه اش و ابلیس.

ج) مهبط در هر دو کتاب، زمین است.

د) یکی از نتایج هبوط در قرآن، دشمنی بین ابلیس و بنی آدم و نیز رنج و مشقت معیشت ذکر شده، ولی در عهد قدیم نتیجه هبوط، دشمنی بین مار و زن و رنج و سختی معیشت ذکر گردیده است.

## فرزندان آدم

### ۱. در عهد قدیم

اولین پسر حوی از آدم قاین و دومین پسر هابیل بود. چنان که در سفر پیدایش آمده: «حوا گفت: به کمک خداوند مردی حاصل نمودم پس نام او را قاین (حاصل شده) گذاشت، حوی بار دیگر حامله شده پسری زاید و نام او را هابیل گذاشت. ۳۵ هابیل گلّه دار و قاین کشاورز بود. پس از مدتی، قاین هدیه ای از محصول زمین به حور خداوند

آورد و هابیل نیز بهترین قسمت از گوشت ذبیحه نخست زادگان گله خود را هدیه آورد. خداوند هابیل و هدیه ایش را پذیرفت ولی قاین و هدیه اش را نپذیرفت لذا قاین بر آشفت، آن گاه خداوند قاین را خطاب کرده و علت نپذیرفته شدن هدیه را درست عمل نکردن او بر می شمرد و او را نسبت به چیره شدن بر گناه هشدار می دهد. ولی نهایتاً گناه بر او چیره می شود و ناگاه در صحرا به برادرش حمله می کند و او را به قتل می رساند. ۳۶ آن گاه داستان به صورت دیالوگ میان خداوند و قاین در می آید و خداوند قاین را به خاطر کشتن هابیل مجازات می کند که: «اکنون ملعون هستی و از زمینی که با خون برادرت رنگین کرده ای، طرد خواهی شد. از این پس، هر چه کاری کنی، دیگر زمین محصول خود را آن چنان که باید، به تو نخواهد داد، و تو در جهان آواره و پریشان خواهی شد. ۳۷» ولی قاین از کشته شدن خود توسط دیگران ابراز نگرانی می کند ولی خداوند به او اطمینان می دهد که کسی او را نمی کشد و مشخصه ای بر او قرار می دهد تا کسی او را نکشد و مجازات کشتن او را هفت برابر شدیدتر از مجازات خود او می داند. سرانجام قاین در سرزمین نود (nod)، (سرگردانی) در سمت شرقی عدن ساکن می شود. ۳۸

سپس قاین به زندگی ادامه می دهد و صاحب خنوخ می گردد و نام شهری که در دست احداث داشت را نیز خنوخ می نهد سپس فرزند زادگان قاین تا لمک (شش نسل) رانام برده و بعد به شرح خاندان لمک می پردازد که چگونه صاحب حرفه ها گشتند.

حوا و آدم در این هنگام صاحب فرزندی دیگر شدند و نام او را شیت (یعنی عطا شده) نهادند و آدم در این هنگام ۱۳۰ ساله بود و خداوند شیت را به جای هابیل مقتول، به حوا عطا کرد. و داستان فرزند زادگان شیت ادامه می یابد و به نوح می رسد. آدم، پس از شیت نیز صاحب دختران و پسرانی گردید که نامشان ذکر نگردیده است. ۳۹

## ۲. در قرآن

داستان فرزندان آدم فقط در سوره مائده و به شرح زیر آمده است:

و داستان دو فرزند آدم ۴۰ رابه حق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، قربانی ۴۱ برای تقریب (به پروردگار) انجام داده اند؛ اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. ۴۲ (آن که عملش پذیرفته نشد) گفت: به خدا سوگند تو را خواهم کشت! (برادر دیگر) گفت: (من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا تنها از پرهیزکاران می پذیرد. و اگر تو برای کشتن من، دست درازی کنی، من هرگز به قتل تو دست دراز نمی کنم. چون از پروردگار جهانیان می ترسم. من می خواهم تو، گناه من و گناه خودت را بدوش کشی تا اهل آتش جهنم



شوی و این جزای ستمکاران است. نفس سرکش، کم کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد (وسرانجام) او را کشت و از زیانکاران شد. سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین جست و جو (کند و کاو) می کرد، تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند، او گفت: وای بر من؟ آیا من نتوانستم مثل این زاغی باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟! و سرانجام پشیمان شد. (مائده، ۲۷/۵ - ۳۱) و بدین سبب بود که قصاص دایر گردید.

### ۳. مقایسه

الف) داستان فرزندان آدم، فقط در سوره مائده و به صورت مختصر و فقط شرح یک قسمت از زندگی دو فرزند آدم را بیان می دارد و از ذکر تفصیل زندگی فرزندان آدم خودداری می نماید، در حالی که سفر پیدایش به صورت تفصیلی به داستان فرزندان آدم، مخصوصاً هابیل و قابیل و شیث می پردازد و شاید علت این باشد که روش قرآن در بیان یک واقعه با عهد قدیم فرق دارد. و قرآن در جایی به جزئیات می پردازد که هدف خاصی را تعقیب کند و صرفاً به گزارش تاریخی اکتفا نمی کند مگر این که در نقل آن هدایت و دعوتی را در نظر داشته باشد.

ب) در عهد قدیم تعداد فرزندان آدم را سه پسر (قاین، هابیل، شیث) با ذکر نام و فرزندان دیگر (پسران و دختران) بدون ذکر تعداد، معرفی می کند ولی در قرآن فقط دو پسر آدم را بدون نام معرفی می نماید.

ج) در عهد قدیم نام فرزندان، همگی ذکر نگردیده ولی نام قاین، هابیل و شیث ذکر شده است ولی در قرآن اشاره ای را نمی بینیم.

د) در عهد قدیم، به جای مقتول (هابیل) خداوند به حوا شیث را عطا می کند ولی در قرآن سخنی از شیث نیست.

ه) در عهد قدیم، قاین فرزند بزرگ و هابیل فرزند دوم و شیث فرزند سوم است ولی در قرآن اشاره به آن نشده است.

و) در عهد قدیم، شغل قاین را کشاورزی و شغل هابیل را گله بانی معرفی می کند ولی در قرآن سخنی از شغل آنان نمی باشد و در روایات قابیل کشاورز و هابیل گله بان معرفی شده است.

ز) هر دو کتاب در مورد اصل قربانی و پذیرفته شدن از یکی و پذیرفته شدن از دیگری مشترکند.

ح) هر دو کتاب، در خصوص چگونگی پذیرفته شدن ساکت می باشند.

ط) قربانی در عهد قدیم، محصول زمین برای قاین و بهترین قسمت گوشت از نخست زادگان گله برای هابیل بیان می دارد. ولی در قرآن اشاره ای به نوع قربانی نشده است و روایات نظر تورات را تأیید می کند.

ی) هر دو کتاب، علت پذیرش قربانی را نیکوکاری می دانند.

ک) در عهد قدیم، خداوند بعد از پذیرفته نشدن قربانی، به قایل هشدار می دهد که گناه بر او چیره نشود (که چنین نمی شود) ولی در قرآن از چنین هشدار سخنی به میان نیامده است.

ل) در قرآن، بعد از پذیرفته نشدن قربانی، آن که قربانی او پذیرفته نشد، دیگری را تهدید به مرگ می نماید ولی برادرش می گوید که اگر تو چنان کنی، من دست به قتل تو نخواهم زد و سرانجام (احتمالاً پس از نزاع) او را کشت. ولی در عهد قدیم سخنی از این گونه محاوره نمی باشد و ناگاه قایل به هابیل حمله کرد و او را کشت.

م) در قرآن آمده که سرانجام آن که قربانی اش پذیرفته نشد، دیگری را کشت و از زیان کاران شد. ولی در عهد قدیم آمده که خداوند او را ملعون ساخت و در جهان آواره و پریشان و پر رنج و زحمت گردانید.

ن) در عهد قدیم، خداوند قایل را از مجازات دیگران در امان می دارد و علامتی بر او می نهد که کسی او را نکشد و مجازات قتل قایل را هفت برابر مجازات خود او قرار می دهد ولی در قرآن اشاره ای به این مطلب نشده است.

س) در عهد قدیم به فرزندان قایل پرداخته شده ولی در قرآن سخنی از آن نیست. ع) در قرآن، سخن از آموزش در خصوص چگونگی دفن مرده آمده و خداوند برای این کار زاغی را فرستاد تا در زمین جست و جو کند و قاتل بدین وسیله برادرش را دفن کرد ولی در عهد قدیم سخنی از آموزش دفن به میان نیامده است.

ف) در عهد قدیم، نوح را از نسل شیث معرفی می نماید ولی در قرآن به این مطلب اشاره ای نشده است.

ص) در علت کشتن قایل، هابیل را، در هیچ کدام از کتاب ها سخنی به میان نیامده است.

مرگ آدم  
در عهد قدیم

در عهد قدیم، آدم در سن ۹۳۰ ساگی پس از این که صاحب دختران و پسرانی شده بود، در گذشت ولی از مرگ حوا سخنی به میان نیامده است. ۴۳  
در قرآن

در مورد مرگ آدم سخنی در قرآن به میان نیامده است چرا که در بیان زمان مرگ و امثال آن، هدفی هدایتی وجود ندارد





## جدول مقایسه داستان آدم در عهد قدیم و قرآن

موضوع	عهد قدیم	قرآن
آفرینش آدم	از خاک	از خاک و در برخی آیات، حالات دیگر خاک مانند: طین، طین لازب و حماسنون
روح حیات	در بینی آدم دمیده شد	بر آدم دمیده شد
محل آفرینش	زمین	بهشت
محل سکنی	باغ عدن	بهشت
علت آفرینش	---	خلیفة اللہی - عبادت
چگونگی آفرینش	شبیبه به صورت خداوند	
سجده ملائکه	---	ملائکه جز ابلیس برآدم سجده نکره
محل دائمی زندگی	زمین	زمین
موضع خدا نسبت به خلقت آدم	بعد از رؤیت گناه آدمیان - حزن و تأسف	تحسین
مقام آدم	فرمانروایی بر زمین	خلیفة اللہی
گفت و گوی میان ملائکه و خداوند پیرامون خلقت	---	به تفصیل آمده
تعلیم اسما	نام گذاری حیوانات و پرندگان توسط آدم	به صورت مطلق آمده
آفرینش زوجه آدم	از یکی از دنده های آدم	از جنس آدم
علت آفرینش آدم	تنهایی آدم	زماش در کنار یکدیگر - بقای نسل
نام زوجه آدم	حوآ	ذکر نگردیده
عامل فریب خوردن آدم	مار	شیطان
هشدار قبلی خداوند		از دشمنی شیطان
اولین فریب خورده	حوآ و بعد آدم	آدم یا هر دو
ابزار فریب	خوردن از درخت منہیہ	خوردن از درخت منہیہ
نوع درخت	درخت معرفت	درخت خلد
نتیجہ نهی	مردن	شمرده شدن از ظالمین
نتیجہ خوردن از درخت	کشف عورات - هبوط	کشف عورات - هبوط
توبہ آدم	---	توبہ کردند
برگزیده شدن آدم	---	آدم به نبوت برگزیده شد
فرزندان آدم	با نام (هابیل، قابیل، شیت آمده) مفصلا	فقط یک داستان در مورد دو فرزند آمده و بدون نام
مرگ آدم	در ۹۳۰ سالگی	---

# مقایسه داستان آدم در عهد قدیم و قرآن



۱. واژه آدم از «آدم» عبری گرفته شده... کلمه مؤنث آن آذمه به معنی زمین یا خاک است. کاربرد دو صورت مذکر و مؤنث در سفر پیدایش معنی خاکی (ساخته شده از خاک) را القا می کند. ریشه آدم، هم چنین با رنگ سرخ پیوند دارد و این شاید اشاره به رنگ خاک باشد که آدم از آن آفریده شده است. (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱ / ۱۷۲ ذیل واژه آدم) تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۲. پیدایش، ۵۲ / ۶.
۳. همان، ۷ / ۳.
۴. عدن در اینجا نه یک سمبل بلکه یک مکان جغرافیایی است، گر چه شکل عبری همین کلمه (eden) به خوبی، معنی «خوشی و ابتهاج» را می دهد، به نظر می رسد که این اسم با واژه سومری edin(na) که به معنی دشت و جلگه است، ارتباط داشته باشد. (در ابتدا خدا... تفسیر کتاب پیدایش / ۵۸)
۵. پیدایش، ۸ / ۱۳.
۶. همان، ۱ / ۲۸.
۷. همان، ۵ / ۲.
۸. همان، ۶ / ۵-۷.
۹. طبری در معنی آیه انا خلقناهم من طین لازب، (صافات، ۱۱ / ۳۷) می نویسد: شما را از گل چسبیده آفریدیم، آن را به «لزوب» وصف نموده، چون خاک است که با آب مخلوط است و خاکی زمانی که با آب مخلوط شود «طین لازب» نامیده می شود. (جامع البیان، ۲۳ / ۲-۳)
۱۰. البته این مضمون عهد قدیم، در حدیثی از پیامبر آمده است: «ان الله خلق آدم علی صورته» یعنی خداوند آدم را به صورت خود خلق کرد. (بحارالانوار، ۴ / ۱۱-۱۵)
۱۱. لازم بذکر است، که برخی محققان نسبت حزن و تأسف به خداوندی را درون شأن خداوندی می دانند.
۱۲. پیدایش، ۱ / ۲۶.
۱۳. در توضیح عبارت اتي جاعل فی الارض خلیفه؛ طبری جاعل را به معنی مستخلف و خلیفه را «جانشین شدن فردی در مقام فرد دیگر بعد از او» می شمارد. (جامع البیان، ۱ / ۱۵۶) اما طبرسی جاعل را خالق معنی می کند و این به صواب نزدیک تر است (مجمع البیان...، ۱ / ۱۷۶) و مشهور مفسران «آدم و انبای او را خلیفه خداوند در اجرای احکام و دستوراتش در زمین» می دانند. (مجمع البیان، ۱ / ۷-۱۷۶) و المیزان، ۱ / ۱۱۶؛ و روح المعانی، ۲ / ۱-۲۲۰ و الثبیان...، ۱ / ۱۳۱ و... هر چند که برخی از قرآن پژوهان

- معاصر به معنی فرمانروایی نیز توجه داشته اند: سید محمد باقر صدر می گوید: مسأله خلافت انسان در قرآن، در حقیقت شالوده حکومت انسان بر هستی است؛ یعنی خداوند بشریت را نایب خود در حکومت قرار داده و رهبری و آبادانی جهان را از نظر اجتماعی و طبیعی به مردم، به عنوان خلیفه الله واگذار کرده است. (خلافة الانسان و شهادة الانبياء / ۱۴) و عبدالوهاب نجار می نویسد: معنی خلافت از خداوند در زمین این است که او دارای نیرویی خواهد شد که در عناصر و مواد آن تصرف نموده و آنها را متناسب با نیازهایش قرار خواهد داد. (قصص الانبياء / ۱۹)
۱۴. پیدایش، ۱۹ / ۲-۲۰.
  ۱۵. این که اسما چه بوده مفسران نظراتی را بیان نمودند که برخی از مهم ترین آنها بدین قرار است: طبری به نقل از ابن عباس می گوید: «مقصود نام‌هایی از قبیل انسان، جانوران و زمین دشت و کوه و دریاست که مردم با آن یکدیگر و چیزهای جهان را می شناسند و به نقل از مجاهد می گوید: خدا نام‌های همه چیز را به آدم یاد داد. (جامع البیان، ۱ / ۱۷۰) ولی شیخ طوسی و امین الاسلام طبرسی مراد از اسما را معانی می دانند زیرا آموختن نام‌ها بدون معنی سودی ندارد و فضیلتی به حساب نمی آید. (الثبیان...، ۱ / ۱۳۸-۱۳۹؛ مجمع البیان، ۱ / ۱۸۰)
  - در البرهان، حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که «خداوند اسامی پیامبران الهی و اسامی محمد صلی الله علیه و آله و فاطمه و حسن و حسین و اهل بیت و اسامی بزرگان شیعه و دشمنان اهل بیت را به آدم یاد داد. (البرهان، ۱ / ۷۳) و نیز آکوسی به نقل از ترمذی می نویسد: «منظور اسامی خداوند متعال است.» (روح المعانی، ۱ / ۲۲۴)
  ۱۶. پیدایش، ۲ / ۲۱-۲.
  ۱۷. همان، ۱۸.
  ۱۸. همان، ۲۰ / ۲۱-۲۰.
  ۱۹. همان، ۳ / ۲۰.
  ۲۰. در روایات در چگونگی خلقت همسر آدم دو نظر آمده است: دسته ای از روایات با تورات همگام می باشند و زوجه آدم را از پهلوی آدم می دانند و «خلق زوجها منها» را از پهلوی آدم تفسیر می کنند. (ر. ک: مجمع البیان) ولی دسته دوم از روایات، خلقت زوجه آدم را از باقی مانده گل آدم معرفی می کند. (ر. ک: تفسیر عیاشی، ۱ / ۲۱۶) و روایات دسته دوم به صواب نزدیک است.
  ۲۱. در برخی روایات نام زوجه آدم، حوا ذکر شده است (ر. ک: بحارالانوار، ۱۱ / ۱۱۲-۱۱۶؛ تفسیر عیاشی، ۱ / ۲۱۶ و...)



۲۲. پیدایش، ۵/۲-۱۷.

۲۳. چرا مار؟ منظور از انتخاب مار، برای نقش ننگینش، محکوم کردن مراسم بت پرستی ساکنان فلسطین نیز بوده است زیرا مار نشانه رسمی یک الهه کنعانی و نیز نشانه حیات، باروری و حکمت بود. پس انتخاب مار، که نماینده یک خدای دروغین است، برای القای حرف خویش به جای سخن خدا کاملاً مناسب آمده است (پیدایش چه می گوید/ ۱۷) ولی کتاب «لیلمودا»... اغوا کننده را، نفس اماره می داند که به شکل مار در آمده است؛ چنان که آمده: «...نفس اماره به شکل مار به حوا جلوه کرده» (کتاب لیلمودا و للمد، قسمت برشیت و شموت، بیاموزیم و بیاموزانیم/ ۱۷)

۲۴. پیدایش، ۳/۲-۳.

۲۵. همان/ ۱-۷.

۲۶. همان/ ۱۲-۱۴.

۲۷. در تفسیر صافی آمده: شجره منبیه درختی بوده که هرگاه کسی به دستور خدای متعال از میوه آن می خورده دانش اولین و آخرین نصیب او می شده و اگر کسی بدون دستور او استفاده می کرده به مراد نمی رسیده و مرتکب معصیت خدا می شده، در ضمن روایتی در این زمینه آمده است که از جمله آنها: شجره علم محمد و آل محمد، گندم، انگور، انجیر، شجره حسد و کینه و درخت کافورا را می توان ذکر کرد. (تفسیر صافی، ۱/ ۲۴۷)

۲۸. توبه در لغت به معنای رجوع و برگشتن می باشد و تاب من ذبیه، رجوع عنه (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱/ ۳۵۷) و مفسران توبه را به معنی رجوع به خدا و بازگشت به طاعت او گرفته اند. توبه به این معنی مربوط به بندگان است ولی توبه، لفظ مشترک بین بندگان و خداوند است و در مورد خداوند مفهومش آن است که با رحمت و فضل خویش بر بنده اش بازگشته است (تفسیر طبری، ۱/ ۱۹۵)

۲۹. منظور از تلقی کلمات «معنا و حقیقت بوده که عقل و ادراک آدم آن را دریافت، روی دلش را به سوی پروردگارش گردانیده است». (پرتوی از قرآن، ۱/ ۱۳۲) و رشید رضا می گوید: «یعنی خداوند آن کلمات را به او الهام کرده» (المنار، ۱/ ۲۷۹)

۳۰. مشهور مفسران واژه های اصطفاوه و اجتهابه (برگزیده شدن آدم پس از توبه توسط خداوند) را بیانگر نبوت آدم می دانند و نیز از آیات در جهت اثبات نبوت آدم استفاده می کنند ولی برخی معاصران (ر. ک: قاموس قرآن، قریشی، ذیل واژه آدم) قائل به نبوت آدم نمی باشند.

۳۱. کلیسای وست مینستر، گناه را عبارت می داند از هر نوع عدم انطباق با شریعت یا تخلف از آن، ولی هورن تعریف جامعی را ارائه می دهد: گناه یعنی گسختگی رابطه شخصی مخلوق با خالق (نجات شناسی - / ۱۰)

۳۲. پیدایش، ۳/ ۱۴-۱۹. در کتاب مسیحیت چیست؟ آمده: «بدترین مسله این بود که آدم و حوا آن اتحاد و نزدیکی با خدا را از دست دادند و در نتیجه کاملاً عوض شدند. قبلاً مقدس و عقیف بودند ولی اکنون کثیف و گناهکار شدند... این طغیان بر ضد خدا در کتاب مقدس، گناه نامیده می شود و نتیجه آن مرگ است. (مسیحیت چیست؟ / م. میلر / ۱۴)

۳۳. همان/ ۲۱-۲۴.

۳۴. واژه «هبوط» فرو آمدن) به معنی انتقال از موقعیتی برتر به موقعیتی فروتر می باشد و آن می تواند از مکانی بالاتر به مکانی پایین تر و یا از درجه ای بالاتر به درجه ای پایین تر و نیز گاهی به مطلق انتقال گفته می شود. رشید رضا می گوید: «هبوط در اصل به معنی سقوط و نزول از مکان بالا به پایین تر از آن است و گاهی در مطلق انتقال و جابجایی و یا به اعتبار بلندی و پائینی معنوی، استعمال می شود.» (المنار، ۱/ ۲۷۸) و در قرآن، هبوط در خصوص ابلیس، آدم، حوا، نوح و بنی اسرائیل استفاده شده که درباره نوح و بنی اسرائیل به معنی سقوط نیست بلکه جابجایی را می رساند ولی در خصوص ابلیس و آدم و حوا بیانگر سقوط مکانی (از آسمان به زمین) و سقوط مقامی (از بهشت و نعمت ها به زمین و محنت ها) می باشد.

۳۵. پیدایش، ۴/ ۱-۲.

۳۶. همان/ ۲-۸.

۳۷. همان/ ۱۱-۱۲.

۳۸. همان/ ۱۳-۱۶.

۳۹. همان/ ۲۵-۲۶.

۴۰. در روایات نام کسی که قربانی او پذیرفته شد هابیل و هابلس و نام دیگری قابیل، قاین، قابل، قاین و یا قین معرفی شده است. (ر. ک: تفسیر ابوالفتح رازی)

۴۱. در مورد نوع قربانی، (تفسیر قمی، ۱/ ۱۶۵) از امام سجاد آمده که قربانی هابیل که پذیرفته شد کبشی و قربانی دیگری خوشه های پرمز بوده است. از همین استفاده می شود که هابیل گله دار و قابیل کشاورز بود.

۴۲. مفسران نشانه پذیرش قربانی را آتشی می دانند که شیء پذیرفته شده را می سوزاند. (مجمع البیان، ۳/ ۲۲۹)

۴۳. ر. ک: پیدایش، باب پنجم.

